

ویژگی‌های عمومی نظام اقتصادی و مالی در اسلام

مر تضى ولي نژاد

میانی فلسفی نظام اقتصادی است و عناصر نظام برای رسیدن به آن، سازماندهی و تنظیم می‌شوند. در نظام‌های اقتصادی، رفتارها آن گونه که باید باشد، سازماندهی می‌شود و وقتی که نظام اقتصادی با همه عناصرش تحقق یافت، میان رفتارها و پدیده‌های اقتصادی رابطه علت و معلولی برقرار می‌شود. در این مرحله، نوبت به علم اقتصاد می‌رسد تا به کشف این رابطه از متن واقع بپردازد. در مجموع، می‌توان گفت که میانی فلسفی نظام اقتصادی، که بیانگر جهان‌بینی حاکم بر نظام اقتصادی است، هدف‌ها و میانی مکتبی را تولید می‌کند. این هدف‌ها و میانی، زیربنای احکام اقتصادی قرار می‌گیرد و هدف‌ها و میانی مکتبی و احکام اقتصادی هر یک به نوعی در تعیین اجزا و عناصر نظام اقتصادی و محدوده عملکرد آنها و کیفیت از تسبیط آنها با یکدیگر موثر است (۲۵-۲۶ و ۱۹-۱۶:۴).

هنگامی که پیامبران در کنار آنکه توحید را فریاد می‌کردند، عدالت را نیز فریاد کردند، معلوم داشتند که بیدارند و بیداران می‌توانند خفتگان را بیدار کنند. فارغ از مشکلات مادی انسان بودن و ابعاد مختلف زندگی و مشکلات انسان را درک نکردن، داعیه زمامداری حیات انسانی داشتن چه معنایی می‌تواند داشت؟ (۵:۹).

دین یک هدایت کامل است، هم مقتضیات رشد را مطرح می‌سازد و هم موانع رشد را شناسایی و طرد می‌نماید (۵:۹).

دین یک پدیده الهی - اجتماعی است و به صرف اینکه قید اجتماعی بر آن افزوده شود، مثلی از ترکیب «فرد + جامعه + حاکمیت» تصویر می‌شود. جامعه، از افراد ترکیب می‌یابد و با یک نظام حاکم

هدفی قرار داده تا انسان‌ها رنج‌ها، سختی‌ها، کاستی‌ها و دردها را تحمل نمایند و به زندگی ادامه دهند. همچنین، نگاه‌های مردم را به سوی هستی‌بخش ازلی جلب می‌کند. با اینکه اسلام‌گرایی با سایر ادیان در عرصه‌های گوناگون مشارکت می‌نماید، اما دیدگاه دینی ویژه‌ای است که با دیگر ادیان به لحاظ شکل و محتوا تفاوت دارد، زیرا اسلام‌گرایی در مفهوم کلی، دین و دنیا را در یک زمان قرار داده و آسمانی بودن سایر ادیان و زندگی عمومی دنیا را در خود گرد آورده است. اسلام‌گرایی وجوه مختلف زندگی انسانی را در ابعاد دینی و دنیایی عرضه می‌دارد (۱۳۳ و ۱۳۲:۳).

ویژگی منحصر به فرد اسلام که به آن چهره متمایز می‌بخشد، دیدگاه یگانه‌نگر آن است که تفاوتی میان مذهب و زندگی قابل نیست و تأکید دارد که همه، عناصر این نظام‌اند که آن را به صورت نظامی زنده و فعال در می‌آورند. افزون بر این، اسلام رابطه‌ای بی‌مانند میان پروردگار، انسان، جامعه و قوانین الهی قابل است که تأثیر مستقیم بر روی عملکردهای نظام اقتصادی می‌گذارد (۱:۵۳).

رفتار انسان‌ها همواره بر اساس جهان‌بینی و ارزش‌های مورد پذیرش آنها شکل می‌گیرد. از اینرو، در تعریف نظام‌های رفتاری، میانی فلسفی و مکتبی (جهان‌بینی و ایدئولوژی) لحاظ می‌شود. نظام اقتصادی، گونه‌ای از نظام رفتاری است که اجزای آنرا رفتارهای ارادی انسان‌ها در حوزه‌های تولید، توزیع و مصرف تشکیل می‌دهد. هدف‌هایی که نظام اقتصادی برای نیل به آن طراحی می‌شود، نتیجه

كُنْ لَا يَكُونُ دَوْلَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ
باشد که ثروت‌ها تنها به دست اغنیا و ثروتمندان دور نزنند.

«سوره حشر: آیه ۷»

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ بَيْنِي وَالشَّرَفِ
وَ الْإِزْدِيَادِ، وَ قَوْمِي بِالْبَذْلِ وَ الْاِقْتِصَادِ، وَ عَلَّمْنِي حَسْنَ
التَّجْدِيرِ، وَ اِقْبَضْنِي بِطُغْفُوكَ عَنِ التَّجْدِيرِ، وَ اجْعَلْ مِنْ
أَسْبَابِ الْاِحْتِلَالِ أَرْزَاقِي، وَ وُجْهَةَ فِي أَبْوَابِ الْبِرِّ اِنْشَاقِي، وَ
اِزْوَعْنِي مِنَ الْعَالِ مَا يُخْذِلُ لِي مَخِيلَةً أَوْ تَأْتِيَنِي بِنَفِي
أَوْ مَا أَتَعَقَّبُ مِنْهُ طُغْيَانًا

«صحیفه سجاده: دعا ۳۰»

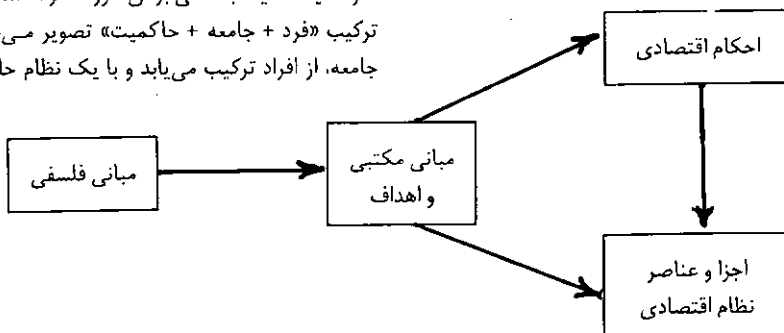
بار خدایا! بر محمد و آل او درود فرست، و مرا از اسراف و زیاده‌روی باز دار، و به بخشیدن و میانه‌روی مستقیم ساز، و روش نیکو در معیشت و زندگی را به من بیاموز، و مرا با لطف خود از بیجا خرج کردن بازدار، و روزی‌های مرا از وسایل حلال روان گردان، و انفاق و خرج کردنم را در راه‌های خیر و نیکی بگردان، و آن دارایی را که برای من گردنکشی و خودبینی آورد، یا به ظلم و ستم بکشاند، یا در پی آن گرفتار طغیان و سرکشی گردم، از من بگیر.

مقدمه

اگرچه اسلام برنامه جامعی در مورد سازماندهی، مدیریت و شیوه اداره امور جامعه ارائه نموده، با وجود این، به جز در صدر اسلام، به صورت کامل به اجرا در نیامده است و تنها در چند دهه اخیر، اجرای کامل و وسیع تعالیم آن مورد توجه بایسته قرار گرفته است (۱:۵۳).

اسلام، موهبتی الهی است که در درون خود، توان تولید و فرآیندهای اصلاحی را دارد و می‌تواند برای سستی‌ها و بیماری‌هایی که گریبان امت را گرفته است، پاسخ‌های درخوری را ارائه کند (۲:۱۶).

اسلام‌گرایی، دیدگاهی جهانی است که از وحی الهی سرچشمه گرفته و در قرآن، سنت و میراث اسلامی تجلی پیدا کرده است و همانند دیگر نگرش‌های دینی، زندگی دنیایی را با زندگی پس از مرگ پیوند می‌دهد. اسلام، برای زندگی مقصود و



تا اینکه مردم به قسط قیام نمایند و آهن را فرو فرستادیم که در آن، سختی شدید و سودهایی برای مردم است.

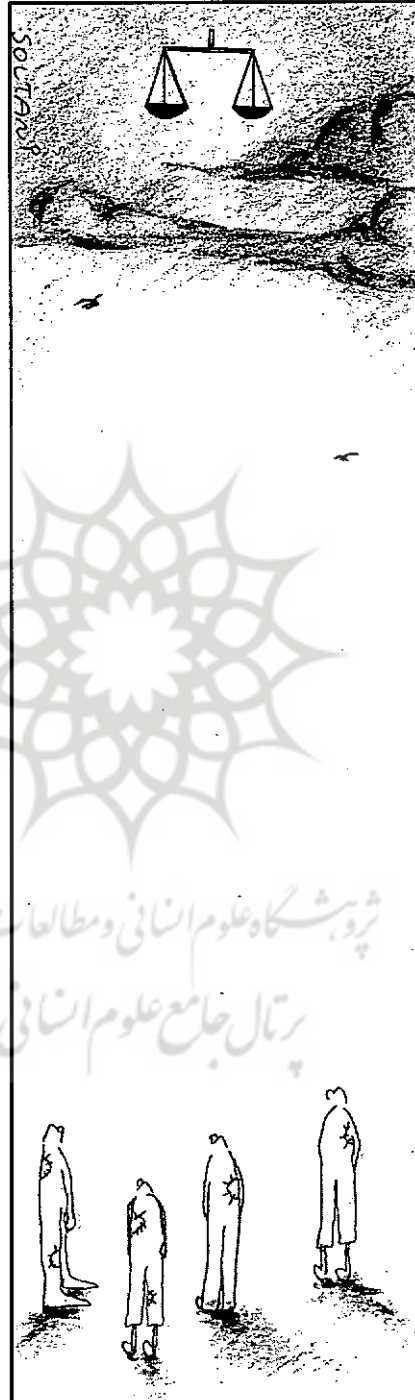
«سوره حدید: آیه ۲۵»

در جهان اسلام، عدالت و عدل و قسط، میزان و معیار و ملاک و مبنا است. وجود عدالت نشان وجود حق است و در هر امری که عدالت و قسط یافت شود، آن امر حق است و دارای حقانیت می‌باشد. عدالت و قسط دارای مفهومی گسترده و فراگیر بوده و تمامی ابعاد وجود فرد و جامعه را در بر می‌گیرد. در بعد فردی، عدالت انسان را از افراط و تفریط دور ساخته و از ظلم به نفس باز می‌دارد و در مسیر حق و حقیقت قرار می‌دهد. در ابعاد اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی نیز عدل و قسط مفهوم خاص و دقیقی دارد و در تمام ابعاد قابل بحث و بررسی است (۱۷ و ۱۶:۶). عدل اخلاقی و عدل معنوی در عدل اجتماعی و اقتصادی اثر دارد و همه روی یکدیگر تأثیر دارند، اما مسأله مهم این است که کدام اصول است. اصل، عدل اخلاقی و معنوی است. برای این که عدل در جامعه بوجود آید و نهادینه شود، باید براساس تعالیم انبیا عمل و حرکت کنیم. خداوند پیامبرانش را فرستاده با بیانات، با دلایل روشن که راه را روشن می‌کند، فضا را روشن می‌کند، دل را روشن می‌کند و ... اینها با بیانات آمده‌اند؛ با دلایل و عوامل روشنگری که هر گونه شک و شبهه و وسواس و تزلزل و تردید را از سر راه انتخاب انسان بردارند و بزرایند و با کتاب قانون آمده‌اند: «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات» پیامبرانمان را بالبینات، با عوامل و موجبات روشنگری و روشنایی فرستادیم و میزان و قانون فرستادیم تا مردم با استفاده از این زمینه آماده به پاخیزند و قسط را در جامعه بر پا کنند. قسط اسلامی بدون قوانین و احکامی که در فقه مستند آمده است، قابل اقامه نیست. یک قسط اقتصادی، یک قسط اجتماعی، بدون این که قسط جامع همه جانبه اسلامی استقرار یابد، به تنهایی کافی نمی‌باشد (۷:۶).

اسلام تحت تأثیر فلسفه جهان شمول خود، در عرصه اقتصاد پا می‌گذارد و در این رهگذر، از محتوای سرشار و جامع خود استمداد می‌جوید. تأمین رفاه فرد و جامعه، از جمله خواسته‌های آن می‌باشد. اسلام با سرشت و طبیعت انسانی مخالفت و مغایرتی ندارد و بر سر راه رسوم اساسی و هدفها و مقاصد دور دست زندگی، مانع و رادعی را قرار نمی‌دهد. خواستار برقراری مساواتی اساسی و عدالتی بنیانی میان تمامی آحاد و افراد جامعه است. مهمتر از آن، راه را برای دستیابی به تعالی و پیشرفت از طریق جدیت و سخت کوشی باز می‌گذارد، یعنی ارزش‌هایی را بنیان می‌نهد که تنها جنبه اقتصادی ندارند (۱۰۰ و ۸۸:۸).

لَقَدْ ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان لیقوم الناس بالقسط و انزلنا الحدید فیه باس شدید و منافع للناس

هر آینه، فرستادگان خود را نشان‌های آشکار فرستادیم و همراه با آنان، کتاب و میزان را نازل کردیم



▲ یکی از گرایش‌های متعالی در وجود انسان، تمایل و گرایش به عدالت یا عدالت خواهی و قسط طلبی است.

اداره می‌شود و دین به عنوان یک پدیده الهی - اجتماعی، باید انتظارش را از این سه واحد بیان کند، یعنی باید بگوید که چه فردی را می‌پذیرد تا بتوان به او گفت: «فرد دینی» (انسان متدین)؟ و چه جامعه‌ای را می‌پذیرد تا بتوان به آن گفت: «جامعه دینی» (جامعه متدین)؟ و چه حاکمیت و مدیریت اجتماعی و سیاسی و تربیتی و قضایی و اقتصادی و دفاعی را می‌پذیرد تا بتوان به آن گفت: «نظام دینی» (نظام متدین)؟ و اسلام به این سه سوال پاسخ داده است (۵:۹).

دین اسلام، نظام «عامل بالعدل»، جامعه «قائم بالقسط» و افراد «معتقد و درستکار» را می‌پذیرد و برای تبیین آن در مسیر حرکت روبه تعالی انسان، قوه فعاله‌ای که بتواند این مثلث را رهبری کند و تکالیف آنها را در تمام روابط گسترده زندگی شرح دهد، تحت عنوان «اجتهاد» معرفی داشته است و این وظیفه اجتهاد است که با حضور آگاهانه در همه عرصه‌ها و زمان‌ها، انسان‌ها را در جهت تعالی هدف‌های ارزشی هدایت کند (۵:۹).

اینک، اگر اجتهاد در برابر مالکیت‌های کلان، تجارت آزاد، بازرگانی خارجی، سودهای بدون کار، صنایع و کارخانه‌ها، کشاورزی‌های بزرگ و ... که همه در جهت تفاوت‌های وحشتناک سطح زندگی و برخورداری ظالمانه از امکانات اجتماعی و رفاهی حرکت می‌کنند، موضع انبیا بی‌نداشتی باشد، فلسفه اصلی خویش را نفی کرده است (۵:۹).

سیاست شرعی، یک نظام کامل سیاسی و اجتماعی و اقتصادی است که اصول جامع و احکام مسووطی را بنا می‌سازد تا بر طبق آنها همه مصالح به منظور حصول کمال فضیلت انسانی، ترتیب داده شود (۵:۹).

یکی از گرایش‌های متعالی در وجود انسان، تمایل و گرایش به عدالت یا عدالت خواهی و قسط طلبی است. از ویژگی‌های این گرایش والا، که انسان در وجدان و نفس خود برای آن قداست و یاکنی قایل می‌باشد، فطری، غیر تقلیدی، همگانی، جهان شمول و ... بودن آن است. عدالت خواهی و قسط طلبی ریشه در نهاد بشر دارد و انسان همان گونه که گرایش‌های فطری چندی همچون حس محبت و مهرورزی، حس زیبایی طلبی، حس پسرستش و خدا باوری و ... دارد، دارای گرایش و احساسی است که با وجود او سرشته شده است و این احساس یا گرایش، همانا عدالت خواهی و تمایل به ایجاد تعادل در جوامع بشری است. وحدت اولیه جامعه بشری نیز بر چنین گرایشی استوار است. جامعه مبتنی بر تبعیض، جامعه نامتعادل و ناهمگون می‌باشد (۱۳ و ۱۲:۶).

پیامبران الهی نیز برای تحقق قسط و عدل، همراه با توحید، برانگیخته شده‌اند (۱۳:۶):

در جهان‌بینی اسلامی، زمین و آسمان به حق و به عدل برپا می‌باشد^(۱). عدل به مفهوم اجتماعی، هدف نبوت و به مفهوم فلسفی، مبنای معاد است. عدل از صفات خداوند^(۲) دانسته شده و مخالف آن، یعنی ظلم و ستم از حضرتش تنزیه شده است^(۳). جهان موزون و متعادل است^(۴) و اگر موزون و متعادل نبود، بر پا نبود. عدل الهی عبارت است از رعایت استحقاق‌ها و عطا کردن به هر ذی حقی آنچه را که استحقاق دارد (۹:۷۶).

در مبنای اسلامی، عدالت در سلسله علل احکام قرار می‌گیرد و امری معامله‌ناپذیر تلقی می‌شود. در عین حال، عدالت هم فضیلتی است انسانی؛ و هم قانون تکوینی حاکم بر امور هستی است؛ و هم یک دستور تشریحی و قانونی است؛ و هم قاعده‌ای عمومی به معنای استقرار هر پدیده‌ای در جای خود و رسیدن هر صاحب حق به حق خود است؛ هم فردی است و هم اجتماعی؛ و هم برای دوست عمل می‌شود و هم برای دشمن. حکومت اسلامی و رسالت انبیا و امامان نیز تحقق عدالت است و حاکمان و مدیران ارشد که عدل بر پای ندارند، در روز قیامت مواخذه خواهند شد. دستور الهی در عادلانه بودن معاملات و ابزارهای سنجش بین مردم و در خرید و فروش و... آن نیز تأکید کرده است. اسلام با تأکید بر عدالت اجتماعی و اقتصادی، به عنصر عدالت در تمامی ابعاد نهادها و نظام‌های مکتب برجستگی کم‌نظیری بخشیده است^(۵) (۱۰:۶۹).

اسلام می‌گوید که در آفرینش انسان‌ها عناصر متضادی به کار رفته است. این عناصر، هویت خود را به کلی از دست نمی‌دهند و همواره یک کشمکش درونی انسان را از سویی به سوی دیگر می‌کشاند (تضاد عقل و جهل). اهمیت و ارزش هر انسانی در چگونگی تن دادن به این نیروهای متضاد است و بستگی دارد به اینکه انسان از لشکریان عقل و یا از لشکریان جهل اطاعت کند (۷۷ و ۹:۷۶).

طبیعه اسلام‌گرایی

جهان در آخرین دهه‌های سده بیستم میلادی و مقارن با آغاز پانزدهمین سده تاریخ اسلام، شاهد گرایش چشمگیر برای بازگشت به ارزش‌های بنیادین اسلامی بود. گسترش جریان اسلام‌گرایی تقریباً از اواخر دهه ۱۹۶۰ آغاز شد و به صورت یک توجه جدی به مسایل جهان اسلام و گرایش به وحدت اسلامی و به عنوان یک احساس قدرتمند و یک جریان قوی ظاهر شد. نشانه‌های این جنبش جامع‌نگر، از جمله آثار آن احساس به وحدت عقیده، وحدت هدف و ... به تدریج در عرصه اجتماعی و سیاسی آشکار شد. ستم استعماری و خشونت

جریانات قومی و فشار نظام‌های دیکتاتوری و شکل‌گیری کیان صهیونیستی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری و رشد این بیداری بود. تأسیس سازمان کنفرانس اسلامی در پی جنایت بزرگی که صهیونیست‌ها بدان دست یازدند، یعنی آتش زدن مسجد اقصی، نشانه‌ای از وجود این جریان و عاملی در رشد این احساس فراگیر اسلامی بشمار می‌آید. در این فرآیند، بدون شک، شکوفایی انقلاب اسلامی ایران و نیز فروپاشی اردوگاه کمونیسم از نقاط عطف اساسی در گسترش و رشد بیداری اسلامی در سطح جهان تلقی می‌شوند. در این میان، نمی‌توان از فراگرد علمی، فرهنگی و اقتصادی که امت اسلامی در این مراحل طی کرده است، غافل ماند؛ هر کدام از این ابعاد جایگاه مهمی در ترسیم و تعیین موقعیت نوین امت اسلامی داشته‌اند. در این فرآیند، دیدگاه‌های اسلام در مورد چگونگی رفتار افراد و ملت‌ها در عرصه اقتصاد به شدت مورد توجه قرار گرفته است. برخی از کشورهای مسلمان، به ویژه جمهوری اسلامی ایران و پاکستان، نظام‌های اقتصادی خویش را به طرف همسویی

یکی از گرایش‌های معنایی در وجود انسان، تمایل و گرایش به عدالت و عدالت‌خواهی و قسط‌طلبی است و جامعه مبتنی بر تعین، جامعه‌ای نامتعادل و ناهمگون است.

بیشتر با موازین و شرایط اسلام سوق داده‌اند. به سبب موضع قاطع و آشتی‌ناپذیر اسلام در برابر ربا، ریشه‌کن کردن آن از معاملات بانکی و مالی سر آغاز روند تغییر و تحول در این کشورها قرار گرفته است (۱۱:۱۶) و (۱۲:۲).

اقتصاد اسلامی

اقتصاد اسلامی، مجموعه‌ای است از نظام‌های ارزشی در ارتباط با مسایل و قضایایی که تحلیل و تبیین آنها منتهی می‌شود به قضاوت یا حکم ارزشی در باب مسأله مورد بررسی، مسایلی از قبیل مالکیت، اشتغال، توزیع، مالیات‌ها و ... اقتصاد اسلامی این مجموعه را به عنوان یک بحث عقیدتی و از دیدگاه تبیین و تحلیل مورد مطالعه قرار می‌دهد، نه از دیدگاه بیان و تشریح. تشریح و توصیف در بحث اقتصاد نظری مطرح می‌شود. در اقتصاد نظری، رابطه علت و معلولی بین دو یا چند پدیده موضوع بحث است، حال آنکه در نظام‌های اقتصادی، مسایل و قضایا آن گونه که باید باشند، مورد تحلیل و تبیین قرار می‌گیرند و بدین گونه، اقتصاد اسلامی بیشتر یک دانش

دستوری^(۶) است - دستور به مفهوم قاعده و ضابطه - تا یک دانش توصیفی^(۷). در اقتصاد اسلامی، از باب مثال، حلیت بیع و حرمت ربا به عنوان یک نظر قاطع و جزم‌اندیشانه مطرح می‌شود، یا در مورد نظام مالکیت، مسأله با چنان دقت و ظرافت‌هایی مطرح می‌شود که از نظر مطالعه تطبیقی، شاید مانند نداشته باشد. در اسلام، مالکیت بر مبنای محکم و متقن استوار است؛ قاعده معروف به «تسلیط» براساس حدیث شریف نبوی «الناس مسلطون علی اموالهم» شأن و جایگاه و حرمت مالکیت را تبیین می‌کند و قاعده مشهور «لاضرر ولاضرار» حدود و ثغور و مرزهای آن را مشخص می‌نماید. بدین سان، آزادی انسان در رابطه با جان و اموال را تا جایی محترم می‌شمارد که انسان از حریم خود تجاوز نکند و برای دیگران ایجاد ناراحتی نکند (۹ و ۱۳:۸).

تحقق واقعیت اقتصاد اسلامی در عرصه عمل و سپردن آن از عالم تشریح به دست تکوین و وجود خارجی، مستلزم پرورش انسان‌هایی است که افزون بر شناخت نظام اسلامی و محتوای اقتصادی آن، توانا به اجرای دقیق آن بر اساس ایمان و تقوای الهی خود بوده و تحت تأثیر عوامل مثبت یا منفی و عواطف شخصی قرار نگیرند (۱۴:۴۹).

تنظیم و هدایت فعالیت‌های اقتصادی و تقسیم آن میان افراد، گروه‌ها و بخش‌ها، با استفاده از دستاوردهای علمی، بر طبق رهنمودهای مکتب، هنری است که نظام اقتصادی بر عهده دارد. تقسیم کار و فعالیت‌های اقتصادی میان صاحبان عوامل تولید و بخش‌های اقتصادی جامعه و تشکیل نهادهای تصمیم‌گیرنده براساس حقوق اقتصادی تبیین شده از جانب مکتب برای آنها، وظیفه‌ای است که نظام اقتصادی برای رسیدن به تعادل عدالت اقتصادی به عهده دارد.

نظام اقتصادی

در تعریف نظام اقتصادی، گفته شده است: نظام اقتصادی، مجموعه‌ای هماهنگ از نهادهای قضایی و اجتماعی است که در بطن آن، برخی از وسایل فنی سازمان یافته، به تبعیت از برخی انگیزه‌های اصلی و به منظور برقراری تعادل اقتصادی مورد استفاده قرار می‌گیرد (ش: ۱۵).

تجلی عینی و نمود خارجی مکتب، نظام است که رسالت آن اجرای هدف‌های مکتب است. برای این منظور، نظام ناگزیر از به رسمیت شناختن فرآیند تصمیم‌گیری مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان در نهاد بازار یا نهادهای جدید است. هماهنگی میان نهادهای سنتی تصمیم‌گیری و نهادهای جدید و ایجاد تعادل و توازن در بخش‌های خصوصی و عمومی

اقتصاد به منظور رسیدن به عدالت اجتماعی، رسالت اصلی هر نظام است. در عمل، اشکالاتی بر سر راه این هماهنگی وجود دارد و ضرورت تشکیل نهادهای جدید تصمیم‌گیری، به رفع همین مشکلات بستگی دارد. کیفیت حل این مشکلات و تعیین نوع مطلوب مؤسسه‌های تصمیم‌گیر هم به تحقیقات و دستاوردهای کاوش‌های علمی بستگی دارد. در نتیجه، استفاده از راه‌حل‌های علمی برای اتخاذ سیاست‌های اقتصادی جهت حل مشکلات موجود براساس حقوق، قوانین و مقرراتی که مکتب تعیین کرده است، جهت تغییر وضع موجود و پیشبرد آن به سمت هدف‌های مکتب، مدیریتی است که نظام اقتصادی عهده‌دار می‌باشد. بنابراین، ویژگی اصلی هر نظام، نوع قوانین و مقررات آن و شیوه تصمیم‌گیری‌های فردی و جمعی در آن است. کار و وظیفه اصلی آن هم ایجاد هماهنگی و توازن میان نهادهای مختلف برای حرکت از وضع موجود به سمت مطلوب است، که با برداشت مکتب از وضعیت مطلوب مطابقت دارد. حمایت‌کننده اصلی این حرکت، ارزش‌ها و ایده‌آل‌های مکتب است و فایده‌آمدن بر مشکلات موجود بر سر راه این حرکت و تحول اجتماعی، به کمک علم ممکن می‌شود. از آنجا که علم همواره در حال پیشرفت است و اصول و اهداف مکتب ثابت می‌ماند، شکل نظام در طی زمان ثابت نمی‌ماند و ممکن است که متناسب با پیشرفت‌های علمی، شیوه تقسیم کار و نوع نهادهای تصمیم‌گیرنده تغییر کند (ص و ش: ۱۵).

مبانی بنیادین اسلام

مبانی بنیادین مکتب اسلام همان اصول دین، یعنی «توحید، نبوت و معاد» است. این اصول سرآغاز هستی و حیات انسان را با توحید، و سرانجام این حیات و آغاز زندگی جاودانی را با معاد، و کیفیت راهیابی و طی مسیر را از طریق نبوت معرفی می‌کنند. هدف‌ها و انگیزه‌هایی که دین اسلام برای انتخاب این نوع زندگی و ادامه آن به جهت حیات اخروی اعطا می‌کند، نخست لذت‌های مادی هدایت شده و محدود است و سپس لذت‌های مستمر و غیرمحدود آخرت است و از همه بالاتر و برتر، رضایت الهی می‌باشد. انگیزه‌ها و آرمان‌های اسلامی را امیر مومنان علی (ع) بدین گونه بیان می‌فرماید: بندگان خدا بر سه قسم هستند: بخشی خدا را عبادت می‌کنند به خاطر ترس از آتش جهنم، برخی برای بهشت، و عده‌ای برای کسب خشنودی و رضای او. عبادت گروه اول، همچون بردگان است که از ترس مجازات، خدا را عبادت می‌کنند؛ گروه دوم، تجار هستند که به طعنه بهشت خدا را پرستش می‌کنند؛ اما گروه سوم، آزادگانند، زیرا خدا را

شایسته پرستش و بندگی دریافته‌اند^(۸). عبادت، یعنی انتخاب راه و رسمی که خداوند برای نوع زندگانی بندگان، توسط پیامبران خود (نبوت) و جانشینان آنان (ائم اطهار) ارایه کرده است (ج و ث: ۱۵). خداوند در آیاتی از قرآن، از بندگان می‌خواهد که از نعمت‌هایی که برای آنان خلق کرده، بهره ببرند و لذت جویند^(۹)؛ در آیات دیگری هشدار می‌دهد که چرا نعمت‌ها را بر خود روا نمی‌دارند^(۱۰)؛ در عبارات دیگر به شیوه بهره‌برداری از آنها مردم را هدایت می‌نماید^(۱۱)؛ به همراه ترقی سطح فکر و خصلت‌های خداجویی بندگان، انگیزه‌های بهره‌برداری از این نعمت‌ها برای رسیدن به لذت‌های پایان‌ناپذیر و جاودانی ارایه و دنیا، همچون مزرعه‌ای جهت برداشت محصول در آخرت معرفی می‌شود^(۱۲) و سرانجام، پس از ترقی و اعتلای فهم و ایمان بندگان، خشنودی و رضوان الهی به عنوان آرمان به ایشان ارزانی می‌شود^(۱۳) (ج: ۱۵).

مکتب اقتصادی اسلام

مکتب اقتصادی اسلام از یک سو، رابطه با شناخت انسان از دیدگاه اسلامی دارد و از سوی دیگر، به مسأله اخلاق و معارف آن مربوط می‌شود و در مرحله نهایی، با فقه اسلام و احکام حقوقی و اقتصادی آن مربوط می‌شود و آن گاه، پیوند آنها با احکام مدنی مرتبط می‌شود (۴: ۴۷).

شالوده نظام اقتصاد اسلامی، مجموعه‌ای از قوانین و مقررات جامع و غیرقابل تغییر است که در رفتار و روابط اقتصادی تأثیر می‌گذارد. این قوانین، در شریعت اسلام مشخص شده و عبارت است از احکامی که توسط قرآن مجید وضع شده و در سنت پیامبر گرامی اسلام آمده است. در حاشیه این احکام، قواعد و نهادهایی که در رفتار اقتصادی اثر دارند نیز وجود دارد، ولی این قواعد و نهادهای حاشیه‌ای بر حسب شرایط و اوضاع، قابل تغییر می‌باشند. سیاست اقتصادی وضع شده توسط مقامات مسوول، در هر جامعه اسلامی تنها در مورد این اصول فرعی می‌تواند متفاوت باشد؛ هر چند که چنین سیاست‌هایی هم بایستی با شریعت سازگاری داشته باشند (۱۶: ۲۸).

نظام اقتصادی اسلام با مجاز شمردن انسان‌ها به تصرف در طبیعت و بهره‌برداری از حاصل این تصرف، امکانات و زمینه‌های لازم را جهت داشتن فرصت‌های مساوی با دیگران در اختیار آنان می‌گذارد. تأکیدهای بسیار زیادی که برای کسب آموزش و حفظ سلامتی و تندرستی و مذمت بیکاری و توزیع مجدد درآمد از طریق انفاق^(۱۴)، وقف، وصیت به ثلث اموال^(۱۵)، رعایت حال فقرا و تهیدستان، مالکیت ناشی از کار^(۱۶) و مذمت و حرمت درآمد غیرمتناسب با کار، برابری انسان‌ها، زنده کردن امتی از طریق احیای

یک فرد و تقییح زندگانی مسرفانه و تجمل مآبانه، وظیفه دولت برای رسیدگی به امور محرومان و ... مطرح نموده است، همگی در راستای نظریه تأمین فرصت‌های یکسان برای آحاد مردم در نظام اقتصادی اسلام می‌باشد. بدیهی است که پس از فراهم شدن این امکانات، افراد متناسب با کوشش و تلاش و استعدادهای خویش، صاحب درآمد و ثروت و قدرت خواهند شد و بدین ترتیب، تفاوت‌های حاصل در جامعه، پذیرفتنی است و در راستای تحقق عدالت قرار دارد (۱۲۴ و ۱۲۳: ۹).

یکی از مبانی عقیدتی اسلام و نظام اقتصادی برخاسته از آن، تحریم ربا است. قرآن کریم به روشنی دریافت ربا را محاربه با خدا و رسول اعلام می‌دارد^(۱۷). اسلام راهکارهایی را برای جایگزین کردن ربا و نهادهای اقتصادی مبتنی بر آن پیشنهاد می‌کند، توانستند ابزارها و نهادهای مالی را با رعایت تحریم مذهبی ربا بوجود آورند و توسعه دهند. این دگرگونی‌ها، عملیات اقتصادی نظام‌های اسلامی را نزدیک به ده سده تسهیل نمودند. سپس، قدرت گرفتن کشورهای اروپایی که کشورهای مسلمان را به صورت مستقیم و غیرمستقیم تحت نفوذ و سلطه غرب درآورد، قواعد و هنجارهای اسلامی در زمینه روابط اقتصادی را در حدود چهارصد سال از صحنه زندگی جوامع اسلامی دور ساخت تا آنجا که تا اواسط سده گذشته، اقتصاد بیشتر کشورهای مسلمان به نظام‌های اقتصادی سرمایه‌داری تبدیل شد که در آنها ربا نقش اساسی را ایفا می‌کند (۱۵: ۱۶).

فرآیند اسلامی کردن نظام‌های اقتصادی، با گذشت زمان در حال شتاب گرفتن است. تغییر جهت به سمت نهادی کردن نظام اقتصادی اسلامی توجه بسیاری را نه تنها از سوی اقتصاددانان کشورهایی که به شکل مستقیم در جریان تغییر هستند، به خود معطوف داشته، بلکه نظر اقتصاددانان سایر کشورها را نیز به خود جلب کرده است (۱۶: ۴۵).

اصطلاح اقتصاد اسلامی، نظام کاملی را توصیف می‌کند که الگوهای ویژه‌ای از رفتار اجتماعی و اقتصادی را برای جامعه و افراد آن مقرر می‌دارد. این نظام، مجموعه‌ای از موضوعاتی از قبیل حق مالکیت، چگونگی ایجاد انگیزه، تخصیص منابع، انواع آزادی‌های اقتصادی، شیوه تصمیم‌گیری اقتصادی، نقش صحیح و مناسب دولت و ... را در بر می‌گیرد. هدف‌های عمده و اصلی این نظام، استقرار عدالت اجتماعی و الگوهای ویژه توزیع درآمد و ثروت است؛ در نتیجه، سیاست‌های اقتصادی بایستی برای رسیدن به این هدف‌ها تنظیم شوند. گذشته از اعمال نرخ بهره صفر، اقتصاد اسلامی، همچنین، خط

اسلامگرایی / ترجمه حجت الله جودکی / چاپ اول / انتشارات وزارت امور خارجه / ۱۳۷۸.

(۴) سیدحسین میرمعزی / نظام اقتصادی اسلام: دفتر اول - مبانی فلسفی / چاپ اول / کانون اندیشه جوان / بهار ۱۳۷۸.

(۵) محمدرضا حکیمی / احکام دین و اهداف دین / همشهری / شماره ۲۵ / ۲۴۵۱ / تیر ماه ۱۳۸۰.

(۶) محمدحسین جمشیدی / بررسی مفهوم عدالت در اندیشه سیاسی امام خمینی / پژوهشنامه علوم انسانی / سال اول / شماره ۱ / بهار ۱۳۷۹.

(۷) تأملی کوتاه بر اندیشه‌ها و آرای شهید بهشتی / انتخاب / شماره ۷ / ۶۳۱ / تیر ماه ۱۳۸۰.

(۸) سیدمحمدحسین بهشتی / ربا در اسلام / چاپ اول / دفتر نشر فرهنگ اسلامی / بهار ۱۳۶۹.

(۹) حسن سبحانی / نظام اقتصادی اسلام / چاپ اول / مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی / بهار ۱۳۷۳.

(۱۰) سعید فراهانی فرد / نقش بانکداری بدون ربا در رفع فقر / نامه مفید / سال پنجم / شماره اول / بهار ۱۳۷۸.

(۱۱) ... و حسین نمازی / حذف بهره، توسعه اقتصادی و عدالت اجتماعی / اقتصاد و مدیریت / شماره ۳۲ / بهار ۱۳۷۶.

(۱۲) نقش تمدن امت اسلامی در جهان آینده / اطلاعات / شماره ۱۵ / ۲۱۶۶۳ / تیر ماه ۱۳۷۸.

(۱۳) مقدمه‌ای بر مبانی نظام بانکداری اسلامی / چهار مقاله تحقیقی درباره مسایل مربوط به اقتصاد اسلامی / اداره آموزش و مطالعات نیروی انسانی / بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران / اردیبهشت ۱۳۶۸.

(۱۴) سید جمال الدین موسوی اصفهانی / تبیین مکتب اقتصاد اسلامی مستقل و مرز آن با سایر مکتب‌ها / مجموعه مقالات فارسی اولین مجمع بررسی‌های اقتصاد اسلامی / جلد اول: کلیات اقتصاد اسلامی / چاپ اول / بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.

(۱۵) سید کاظم صدر / اقتصاد صدر اسلام / چاپ اول / انتشارات دانشگاه شهید بهشتی / ۱۳۷۴.

(۱۶) مطالعات نظری در بانکداری و مالیه اسلامی / ترجمه محمد ضیایی بیگدلی / چاپ اول / مؤسسه بانکداری ایران / بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران / تابستان ۱۳۷۰.

(۱۷) نجات الله صدیقی / اندیشه اقتصادی مسلمانان: بررسی متون معاصر / مطالعاتی در اقتصاد اسلامی / گردآورنده خورشید احمد / ترجمه محمود جواد مهدوی / چاپ اول / بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی / ۱۳۷۴.

○ جهان در آخرین دهه‌های سده بیستم میلادی و مقارن با آغاز یازدهمین سده تاریخ اسلام، شاهد گزاینشی جسمگیر برای بازگشت به ارزش‌های بنیادین اسلامی بود.

تحول در وضعیت گفته شده وجود دارد که افزایش توجه به اقتصاد اسلامی از سوی مردم و دولت‌ها شاهد آن است (۱۷:۲۵۸).

ادامه دارد

پی‌نوشت‌ها

- ۱) سوره احقاف: آیه ۳.
- ۲) سوره آل عمران: آیه ۱۸.
- ۳) سوره توبه: آیه ۷۰.
- ۴) سوره الرحمن: آیه ۷.
- ۵) سوره الرحمن: آیه ۹؛ سوره حدید: آیه ۲۵؛ سوره هود: آیه ۸۵؛ سوره یونس: آیه ۵۴؛ سوره اعراف: آیه ۲۹؛ سوره انعام: آیه ۱۵۲؛ سوره مائده: آیه ۸ و سوره نساء: آیه ۱۲۵.
- ۶) Normative Science.
- ۷) Positive Science.
- ۸) نهج البلاغه / ترجمه فیض الاسلام / حکمت ۲۲۹ و ترجمه جعفر شهیدی / حکمت ۲۳۸.
- ۹) سوره ابراهیم: آیه ۳۴؛ سوره ملک: آیه ۱۵ و سوره بقره: آیه ۲۹.
- ۱۰) سوره مائده: آیه ۸۷.
- ۱۱) سوره جمعه: آیه ۱۰.
- ۱۲) سوره شوری: آیه ۲۰ و ۳۶ و سوره عنکبوت: آیه ۶۴.
- ۱۳) سوره توبه: آیه ۷۲.
- ۱۴) سوره نور: آیه ۳۲.
- ۱۵) سوره نساء: آیه ۱۲.
- ۱۶) سوره نجم: آیه ۴۰.
- ۱۷) نقل به مضمون از سوره بقره: آیه ۲۷۹.

منابع

- ۱) ویژگی‌های عمومی نظام اقتصاد اسلامی، مقالاتی در اقتصاد اسلامی، روش اسلام در حل مسایل اقتصادی / ترجمه حسن گلریز / چاپ اول / مؤسسه بانکداری ایران / بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- ۲) نظریه دولت اسلامی / ترجمه فرزانه سیموری / پگاه حوزه / شماره ۸ / اول اسفند ۱۳۷۹.
- ۳) فضیل ابوالنصر / رویارویی غربگرایی و

مشئی‌های دقیقی را مانند سیاست مالیاتی و جهت‌گیری هزینه‌های دولت ارایه می‌دهد. از این رو، کشورهای اسلامی در حرکت به سوی تبدیل و انطباق اقتصاد خود با اصول مذهبی، با مشکلات گوناگونی روبرو هستند. موضوعات مالی و اقتصادی (در سطح کلن) وجود دارد که باید برای آنها پاسخ مناسب یافته شود. اینها شامل نقش سیاست‌های پولی، مالی و نرخ ارز، آثار تغییرات نظام بر واسطه‌های مالی، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، و اثر تغییر نهادهای مالی بر رشد و توسعه می‌شود (۴۶ و ۱۶:۴۴).

گرچه متفکران مسلمان پیش از این درباره اصول اقتصاد اسلام بحث کرده‌اند، اما توجه ویژه و جداگانه به آن در دهه سوم و اوایل سده هزاره دوم آغاز شد و آثار تخصصی آن در دهه چهارم به منصف ظهور رسید. در خلال دهه‌های پنجاه و شصت هجری سده جهش عظیمی در این نوشته‌ها پدید آمد که از ظهور چند کشور اسلامی مستقل و بروز جنبش اسلامی قدرتمندی، که امید به استفاده از تعالیم اسلامی را در امور عملی دولت‌های جدید بر می‌انگیخت، ناشی می‌شد. در این مرحله، بحث‌های عام راجع به فلسفه اقتصادی اسلام با تلاش‌هایی برای طراحی نظام و بحث‌هایی پیرامون موضوعات ویژه‌ای مربوط به زندگی مدرن تکمیل می‌شد. مطالعه تحلیلی دستورهای اقتصادی اسلام و رویکردی تحلیلی به نقد نهادهای جدید از نظر گاه اسلامی تا اندازدای تازه و جوان است، هر چند که روز به روز بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد (۲۵۷ و ۱۷:۲۵۶).

نهادهای جدید بانکداری، بیمه، شرکت‌های سهامی، بازار بورس و مالیات تصاعدی با پیدایش خود در کشورهای اسلامی و مشغول کردن توده‌های مذهبی به خود، عکس‌العمل اندیشمندان و فقهای اسلامی را ضروری ساختند. بازنگری این نهادها در پرتو شریعت، جستجوی بدیل‌هایی برای مواردی از آنها که با اسلام مغایرت داشتند و بحث راجع به مشروعیت مواردی که با مقتضیات این کشورها قابل سازگاری بود، موجب شد که آثار بسیاری در این زمینه پدید آید (۱۷:۲۵۷).

در این موقعیت تاریخی، اگر برخی از کشورهای تازه استقلال یافته مسلمان، پای بندی آشکار به مبانی اقتصادی اسلام از خود نشان داده بودند، اوضاع با آنچه هست، تفاوت بسیار می‌کرد. چنین تعهدی وجود نداشته است و هدف بسیاری از نویسندگان درباره اقتصاد اسلامی در نوشته‌های خود، درخواست چنین پای بندی و تعهدی از سوی مردم و دولت‌های خود بوده است. این نوشته‌ها بسیاری از ویژگی‌های برجسته اقتصاد اسلامی و تأکید نسبی بر موضوعات مختلف مورد بحث را توضیح می‌دهند. نشانه‌هایی از